

112.17

۸۷/۱۰۸۲۰۳
۱۱-۱۲۴



بنیاد ایران‌شناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته ایران‌شناسی

گرایش فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی

**بررسی سیر تحول قصه‌های عامیانه ایرانی
با رویکرد کودک‌محور**

استاد راهنما

نوش‌آفرین انصاری

استاد مشاور

دکتر پگاه خدیش

نگارش

پیمان سمندری

بهمن‌ماه ۱۳۸۷

۱۱۲۰۲۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۳۳۸۸ / ۱۱ / ۲۷

بسمہ تعالیٰ

پایان نامہ کارشناسی ارشد

رشتہ ایران شناسی

کرائس: فرہنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرہنگی

عنوان: بررسی سیر تحول قصہ های عامیانه ایرانی بارویکرد کودک محور

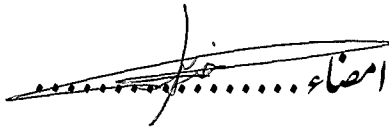
نگارش: پیمان سمندری خلیله ده

گروه داوران

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۱

امضاء:

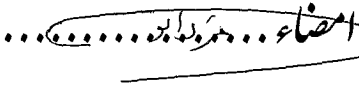

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر نوش آفرین انصاری

امضاء:


استاد مشاور: سرکار خانم دکتر چاه خدیش

امضاء:


استاد داور: جناب آقای دکتر عباس حری

امضاء:


استاد داور: سرکار خانم دکتر کتایون مزدپور

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۱

تقدیم به اساتید بزرگوارم در گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی اکبری

و

دکتر کریم سلیمانی

که با راهنمایی‌ها و دلسوزی‌های پدران‌شان، حق استادی را بر من

تمام کردند و مرا تا همیشه، مدیون محبت خویش ساختند.

تقدیر و سپاس

وظیفه خود می‌دانم تا از زحمات‌ها و محبت بی‌دریغ سرکار خانم دکتر نوش‌آفرین انصاری، استاد ارجمندم و راهنمای محترم این پایان‌نامه نهایت سپاس‌گزاری را داشته باشم که آشنایی با ایشان و گروه همراهشان و نیز شورای محترم کتاب کودک که ایشان مسئولیت اداره آن را بر عهده دارند، نقطه درخشانی در زندگانی من بوده است و امیدوارم در آینده نیز ثمرهای نیکوتر از آن بردارم.

هم‌چنین قدردان راهنمایی‌های خردمندانه و بیش از آن مهربانی‌های مشاور محترم این پژوهش، خانم دکتر پگاه خدیش هستم. مفتخرم که در انجام این کار یاری‌گر من بودند و برایشان آرزوی پیروزی‌های پایدار می‌کنم.

سپاس ویژه خود را نثار جناب آقای مسعود ناصری می‌نمایم که این پایان‌نامه از ابتدا با وجود ایشان و پیش‌نهادشان شکل گرفت و بیش از آنکه راهنما و استادی در کار پژوهش من باشند، چون دوستی یگانه و همراهی بسیار داننده برای من بودند. صحت و سلامت ایشان را از آفریننده و پروردگار هستی خواستارم.

در نهایت بر خود فرض می‌دانم مراتب امتنان و سپاس‌گزاری خویش را به همه دوستانی که مرا در انجام این پژوهش، چه در مرحله نگارش، تایپ و ویرایش یاری دادند و به‌ویژه تمام دوستانی در زمان ناتوانی من و دشواری کار یار من بودند و با هم‌دلی‌ها و پشت‌گرمی‌هایشان مرا آرامش بخشیدند و ترغیب نمودند تقدیم بدارم. از صمیم قلب آرزوی بهترین‌ها را برایشان دارم.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	۱-۱. مقدمه
۲	۱-۱-۱. بیان مسئله تحقیق
۵	۲-۱-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق
۶	۲-۱. پرسش‌های پژوهش
۶	۱-۲-۱. پرسش‌های اصلی
۶	۲-۲-۱. پرسش‌های جنبی
۷	۳-۱. روش انجام تحقیق

فصل دوم: تاریخچه، تعاریف و مفاهیم تحقیق

۹	۱-۲. قصه‌های عامیانه ایرانی
۹	۱-۱-۲. کلیاتی درباره فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی
۱۳	۲-۱-۲. تعریف قصه و افسانه و مقایسه آن‌ها با هم و گونه‌های روایتی دیگر
۱۷	۳-۱-۲. انواع افسانه‌ها
۲۳	۴-۱-۲. کارکردها و ارزش‌مندی‌های افسانه
۲۸	۵-۱-۲. ویژگی‌های عمومی افسانه‌ها
۳۰	۲-۲. مخاطب‌شناسی کودکان
۳۰	۱-۲-۲. مخاطب کیست؟ مخاطب‌شناسی چیست؟
۳۲	۲-۲-۲. عوامل منحصر به خواننده
۳۳	۳-۲-۲. عوامل منحصر به متن و زمینه متنی
۳۴	۴-۲-۲. واکنش مخاطب به متن
۳۶	۵-۲-۲. کودک (مخاطب مورد نظر ما) کیست؟
۳۸	۶-۲-۲. ویژگی‌های عمومی کودکان
۴۱	۷-۲-۲. ویژگی‌ها و توانایی‌های کودکان (در مبنای سن)

.....	۳-۲. ادبیات کودکان	۴۵
.....	۱-۳-۲. چستی (تعریف) ادبیات کودکان	۴۵
.....	۲-۳-۲. اهداف ادبیات کودکان	۴۸
.....	۳-۳-۲. تاریخچه عمومی ادبیات کودکان	۴۹

فصل سوم: سیر تحولات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران در ارتباط با فرهنگ عامه

.....	۱-۳. فرهنگ مردم و رابطه آن با تاریخ اجتماعی مردم ایران	۵۶
.....	۲-۳. مروری بر تاریخ سیاسی و تحولات اجتماعی- فرهنگی در ایران	۵۹
.....	۱-۲-۳. وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران در سال‌های	
.....	پس از ورود اسلام تا ظهور دولت صفوی	۶۱
.....	۲-۲-۳. اوضاع ایران از صفویه تا مشروطیت	۶۸
.....	۳-۳. مروری بر عوامل تعیین‌کننده شرایط فرهنگی در ایران	۷۲
.....	۱-۳-۳. شرایط جغرافیایی ایران	۷۲
.....	۲-۳-۳. شیوه‌های تأمین معیشت و شیوه‌های تولید اقتصادی مردم ایران	۷۷
.....	۳-۳-۳. ادیان و مذاهب	۸۰
.....	۴-۳-۳. حکومت یا نظام سیاسی	۸۴
.....	۵-۳-۳. زبان و ادبیات	۸۶
.....	۱-۵-۳-۳. زبان	۸۶
.....	۲-۵-۳-۳. ادبیات	۸۷

فصل چهارم: ویژگی‌های افسانه‌های ایرانی

.....	۱-۴. خاستگاه افسانه‌های ایرانی	۹۳
.....	۲-۴. مخاطبان افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه و تحولات ایشان	۱۰۱
.....	۳-۴. ویژگی‌های افسانه‌های ایرانی برای عموم مخاطبان ایرانی	۱۰۵
.....	۱-۳-۴. خصوصیات زبانی	۱۰۵
.....	۲-۳-۴. اصول اخلاقی و انسانی در افسانه‌ها	۱۰۷

۱۰۹ ۳-۳-۴. قوانین دربارهٔ افسانه‌ها و افسانه‌گویی
۱۱۱ ۴-۳-۴. ویژگی‌های ساختاری
۱۱۱ ۱-۴-۳-۴. فضاسازی (Setting)
۱۱۲ ۲-۴-۳-۴. شخصیت‌پردازی (Characterization)
۱۱۶ ۳-۴-۳-۴. موقعیت (Plot)
۱۱۸ ۴-۴-۳-۴. کیفیت تخیل
۱۱۹ ۵-۴-۳-۴. بن‌مایه (Motif)
۱۲۵ ۴-۴. قهرمان در افسانه‌ها

فصل پنجم: افسانه‌های ایرانی و کودکان

۱۳۶ ۱-۵. جایگاه کودک و کودکی در ارتباط با افسانه‌ها
۱۳۸ ۲-۵. نحوهٔ تأثیرگذاری افسانه‌ها بر کودکان
۱۳۸ ۱-۲-۵. سرگرم شدن کودکان به وسیلهٔ افسانه‌ها
۱۴۱ ۲-۲-۵. ارتقای رشد و پرورش کودک به کمک افسانه‌ها
۱۴۴ ۱-۲-۲-۵. رشد و پرورش زبانی
۱۴۵ ۲-۲-۲-۵. رشد و پرورش اجتماعی
۱۴۸ ۳-۲-۲-۵. نقش افسانه‌ها در پرورش تخیل
۱۴۹ ۳-۵. واکنش کودکان نسبت افسانه‌ها
۱۵۲ ۱-۳-۵. گرایش به قهرمان در افسانه‌های کودکان
۱۵۳ ۲-۳-۵. واکنش کودک به انواع گوناگون افسانه در سنین مختلف
۱۵۷ ۴-۵. ارزش‌های افسانه برای کودکان
۱۵۷ ۱-۴-۵. قصه‌ها و انتقال میراث فرهنگی به کودکان
۱۵۸ ۲-۴-۵. افسانه و وجه روان‌درمان‌گرانهٔ آن برای کودکان
۱۶۰ ۵-۵. اهمیت قصه‌گویی برای کودکان
۱۶۹ * نتیجه‌گیری
۱۷۲ * کتاب‌شناسی



چکیده رساله:

قصه‌های عامیانه، بخش مهمی از ادبیات شفاهی و فرهنگ مردم هر سرزمینی است که آگاهی و شناخت ما را نسبت به بسیاری از عقاید، آداب و رسوم، آیین‌ها و نحوه زندگی مردمان جوامع مختلف در دوره‌های گوناگون بالاتر می‌برد و حقایق و واقعیت‌های بسیاری را برای ما آشکار می‌سازد. این قصه‌های عامیانه در طی دوان بسیار طولانی از راه بیان سینه به سینه، از نسلی به نسل‌های بعدی و از مکانی به جاهای دیگر انتقال یافته‌اند و به صورت یک جریان زنده و پویا به حیات خود ادامه داده‌اند.

در پژوهش حاضر، با توجه به نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود در حوزه‌های مخاطب‌شناسی و نقد ادبی خواننده‌محور، به بررسی سیر تحول افسانه‌های ایرانی در پیوند و رابطه با مخاطبان این افسانه‌ها در روزگاران پیش از بروز تحولات تمدنی جدید پرداخته شده است. این تحقیق بر آن است به مطالعه اثر و چگونگی تأثیرگذاری قصه‌های شفاهی و افسانه‌ها بر مخاطبان گوناگون خود بپردازد و در یک نگرش تعاملی، به اثری که این افسانه‌ها از ویژگی‌های مختلف مخاطبان‌شان می‌پذیرفته‌اند آگاهی یابد و نقش این دو عامل اساسی را در تحولات یکدیگر و تغییر صورت و ساختار آن‌ها شناسایی و مطالعه نماید. در این میان، به نقش و اهمیت واسطه‌های انتقال و شیوه‌های مورد استفاده ایشان که با در نظر گرفتن نیاز مخاطبان جامعه ایرانی در دوره‌های مختلف و تحت شرایط ویژه این حوزه سرزمینی به مناسب‌سازی و روایتگری این قصه‌ها می‌پرداختند نیز توجه می‌شود. برای مطالعه هر چه بهتر و دقیق‌تر سعی شده است تا بیشتر به رابطه و تعامل میان افسانه‌های ایرانی و کودکان ساکن در فضای جغرافیایی و فرهنگی ایران که گروه اصلی مخاطبان قصه‌ها بوده‌اند و امروزه نیز هستند پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها:

قصه‌های عامیانه، افسانه، مخاطب‌شناسی، ادبیات کودک، نقد ادبی خواننده‌محور.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱. مقدمه

۱-۱-۱. بیان مسئله تحقیق

قصه عامیانه و افسانه، یکی از گونه‌های ادبی است و شکل‌گیری آن‌ها اغلب در میان مردمی صورت گرفته است که از آن‌ها به عوام یا توده تعبیر می‌شود. این گونه ادبی که بخشی از ادبیات عامیانه است، از مباحث مهم مورد توجه فرهنگ مردم هر سرزمینی به شمار می‌رود که باید مورد تدقیق قرار گیرد تا هویت و تاریخ و سازمان اجتماعی مردمان آن سرزمین شناخته شود.

قصه‌های عامیانه در زمره ادبیات داستانی قرار می‌گیرند که در زمان تولید، با اهداف خاصی و با در نظر گرفتن شرایط ویژه زمانه و مخاطب خود شکل گرفته‌اند تا بتوانند مسایلی را طرح نمایند که نیاز مخاطبان‌شان را در جامعه و حوزه سرزمینی خود پاسخ‌گو باشد. به زبان ساده، قصه‌ها از نیازها و ویژگی‌های مردمان هر دوره اثر می‌پذیرند و ساختار اصلی آن‌ها بر این مبنا پی‌ریزی می‌شود. این قصه‌ها و افسانه‌ها در وضعیت و رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل با جامعه‌ای هستند که در آن طرح می‌شوند. مردم، افسانه‌ها را پدید می‌آورند و هم‌زمان این قصه و افسانه است که مردم را براساس الگویی که در خود دارد و برگرفته از شکل زندگی و تفکر همان مردم است صورت و سازمان می‌دهد.

در این رابطه میان قصه‌ها و مخاطبان‌شان، عنصر و ضلع سومی هم وجود دارد: کسانی که افسانه‌ها را با توجه به ویژگی‌های دو موضوع دیگر یعنی قصه و مخاطب به وجود می‌آورند، تغییر می‌دهند و پس از

بازنگری و مناسب‌سازی برای مردمان بازگو می‌کنند. از میان جمعی که به فرآوری ادبی و هنری قصه‌های عامیانه می‌پردازند، تنها گویندگان آن‌ها برای مردم شناخته شده بودند و کسی از دیگران سخنی نمی‌گوید. افسانه‌ها اگر خالق مشخصی هم داشته باشند، بیشتر مسیر تحول خود را در خلال زندگی مردم و بر اثر انتقال سینه به سینه و نسل به نسل به صورتی تدریجی و آرام تجربه می‌کنند و مسایل گوناگون بسیاری در بروز این تحولات دخیل هستند. این بخش واسطه انتقال و انتشاردهنده هم خود قسمتی از اعضا و اجزای همان جامعه و فرهنگی هستند که افسانه در میان ایشان تداوم دارد و بدین ترتیب، خود آن‌ها هم از صورت‌های مختلف و مواد موجود در افسانه‌ها متأثر می‌شوند و دگرگون می‌شوند. پس تحولات افسانه، مخاطبان و جامعه و سرزمین محل استقرار افسانه و گروهی که وظیفه انتقال قصه‌ها و افسانه‌ها را با در نظر داشتن اهداف مشخصی بر عهده دارند، به شکل زنجیروار به هم وابستگی کامل دارد و تحول هر کدام، آثار خود را بر بخش‌های دیگر هم می‌گذارد و آن‌ها را متحول می‌کند.

بیان این نکته در اینجا لازم است که مقصود ما از افسانه‌ها، تنها صورت شفاهی آن‌ها را شامل می‌شود و منابع مکتوب و ثبت‌شده قصه و آثار بازنویسی، بازآفرینی موجود از قصه‌ها که در گستره تاریخ ادبیات به شکل کتاب یا اشکال مادی دیگر هستند و از دگرگونی و حرکت بازمانده‌اند را در بر نمی‌گیرد. در واقع، ما به بررسی و مطالعه این آثار پیش از ثبت شدن و مورد استفاده قرار گرفتن در ساختار جدیدشان بیشتر توجه داریم. ادبیات شفاهی و پدیده‌های فولکلوریک عرصه زمانی مشخصی ندارند و به صورت یک سیستم زنده و پویا، مدام در حال حرکت و دگرگونی بوده‌اند و به صورت سینه به سینه انتقال یافته‌اند.

البته توجه به این نکته هم ضروری است که وقتی ما بخواهیم به بررسی نمونه‌ای این قصه‌های عامیانه به‌طور مستقل پردازیم، ناگزیریم به منابع مکتوبی که به‌صورت گردآوری توسط پژوهش‌گران امروزی در اختیار ما هست استناد کنیم و از آن‌ها بهره‌برداری نماییم. در تهیه این منابع سعی می‌شود کم‌ترین دخل و تصرف در اصل افسانه‌ای که از سوی افسانه‌سرایان نقل می‌شود صورت گیرد و حتی کوشش فراوانی وجود دارد تا این افسانه‌ها با همان شیوه و تلفظی که گوینده بنابر زبان و گویشی که در یک منطقه وجود دارد و خود بدان گویش و زبان سخن می‌گوید ثبت شود. روش دیگر و شاید دقیق‌تر آن است که پژوهشگر افسانه‌ها و مخاطب‌شناسی قصه‌ها به تحلیل قصه‌هایی پردازد که خود از زبان گویندگان و شنوندگان شنیده است. این قصه‌ها البته بیشتر در بخش بررسی قصه‌ها و افسانه‌ها در زمان اکنون مفید و قابل استفاده هستند و

در رابطه با دوران گذشته، اشکال مکتوب موجود را به عنوان شکل نهایی تحول افسانه‌ها تا یک دوره مشخص می‌توانیم مورد استفاده قرار دهیم.

در پژوهشی که انجام خواهیم داد، در نظر داریم به بررسی شرایط و ویژگی‌های قصه‌های عامیانه ایرانی در گذشته تاریخی ایران پردازیم و هم‌چنین به کمک آشنایی با عوامل انتقال این قصه‌ها، مخاطبان اصلی آن‌ها را شناسایی کنیم و ویژگی‌های این مخاطبان را مورد مطالعه قرار دهیم. هم‌چنین بر این مسئله آگاهی یابیم که نیازهای مخاطبان این افسانه‌ها در روزگاران گذشته چه مواردی بوده‌اند و افسانه‌ها چگونه و تا چه اندازه می‌توانسته‌اند برای این نیازها، پاسخ‌های متناسب و مفید ارائه دهند. ما می‌خواهیم بدانیم که تأثیر و تأثر قصه و مخاطب از یک‌دیگر، چگونه تحولات و تغییر نگرش بخش دیگر را در پی دارد.

کودکان، بخشی از مخاطبان عمومی افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه بوده‌اند و هستند و با توجه به شرایط ویژه‌ای که دارند، به نحوی از سایر گروه‌هایی که اثر و پیام این گونه خاص ادبی را دریافت می‌کنند برجسته می‌شوند و در واقع یکی از اهداف اساسی پژوهش حاضر مطالعه رابطه متقابل میان کودکان و به ویژه کودک ایرانی و قصه عامیانه‌ای است که در حوزه جغرافیایی و سرزمینی مسکونی به نام ایران حضور داشته است. ما می‌کوشیم در صورت امکان یک مرزبندی و هویت مستقل برای نحوه عمل قصه‌های عامیانه و شرایط و ویژگی‌های مخاطبان آن خاصه کودکان در ایران تعریف کنیم و آن را از جوامع دیگر تا حدودی متمایز نموده و بررسی نماییم و از این طریق راهی برای مطالعه تاریخ اجتماعی و فرهنگ مردم ایران که منابع موجود درباره آن‌ها بسیار محدود است بیابیم.

دوره تاریخی مورد نظر ما در این پژوهش بیشتر قرون میانی تاریخ ایران یعنی محدوده ورود اسلام به ایران تا ظهور جنبش مشروطه و بروز تحولات فکری و اجتماعی جدید را شامل می‌شود که با وجود چند واقعه بسیار مهم در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، اوضاع نسبتاً پایداری داشته است و از دوره‌های پیش و پس از خود به صورت اساسی و ساختاری مشخص و مجزا می‌شده است و در نهایت می‌خواهیم اثر این وضعیت را در دوران جدید ارزیابی کنیم و شرایط دگرگون‌شده افسانه‌ها و مخاطبان‌شان را در این زمان مورد توجه قرار دهیم.

در خاتمه نکته مهمی را درباره سه واژه و اصطلاح «مخاطب»، «شنونده» و «خواننده» باید ذکر نمود و آن اینکه در این پژوهش، در موارد بسیاری این واژگان در یک جایگاه و مفهوم به کار می‌روند و دلیل چنین

استفاده‌ای هم این است که در مباحث نقد ادبی به‌ویژه نقد ادبی خواننده‌محور که از مباحث فنی ادبی در روزگار جدید است، بیشتر متن ادبی را به‌عنوان یک متن مکتوب که در اختیار خواننده‌ای مشخص قرار می‌گیرد می‌شناسند و معرفی می‌نمایند و این رویکرد خواننده را به‌عنوان مخاطب اصلی متن و مؤلف قرار می‌دهد. با اینکه در پژوهش حاضر در بخش عمده کار مخاطب افسانه‌ها و قصه‌ها به‌عنوان یک متن ادبی، شنونده قصه‌ها هستند که البته ممکن است امروزه به‌تدریج به خواننده این منابع هم تبدیل شده باشند. به هر ترتیب، جز در مواردی مشخص که در جریان تحقیق هم بدان خواهیم پرداخت، اصول مخاطب‌شناسی و نقد ادبی خواننده‌محور، هر دو گروه خوانندگان و شنوندگان واقعی و حتی مخاطب مستتر در درون متن را شامل می‌گردد.

۱-۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

این پژوهش از آن روی اهمیت دارد که به جای اینکه تنها سیر تحول و ریخت‌شناسی قصه‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم یا جریان انتقال را به صورت موردی مثل نقالی در گذشته و اکنون به صورت کتاب و تصویر و ابزار مختلف رسانه‌ای روزگار جدید مورد بررسی قرار دهیم، در یک نگاه گسترده‌تر، این‌بار تأکید اساسی را بر مخاطبان این قصه‌ها و بررسی روابط متقابل و تأثیرات این عنصر اصلی پیش‌گفته در جریان انتقال متمرکز می‌کنیم و مشخص می‌کنیم که ویژگی‌ها و نیاز مخاطبان این قصه‌ها چه بوده و هست و راویان و خانواده‌ها در گذشته و امروز و روان‌کاوان، علمای تعلیم و تربیت و دست‌اندرکاران ادبیات کودک و ادبیات شفاهی چگونه با طرح قصه‌ها به شیوه‌های مختلف، بهترین راه را برای پاسخ‌گویی به این نیازها و شرایط مخاطبان فراهم می‌کرده‌اند و امروز می‌توانند مناسب‌ترین بهره‌برداری را از آن‌ها بکنند. هم‌چنین از طریق شناخت و مطالعه این ارتباط، می‌کوشیم به نکات تاریک تاریخ اجتماعی مردم ایران دریچه‌ای بگشاییم و مسایل فکری، فرهنگی و اجتماعی را که به زندگی بیش‌ترین گروه‌های ساکن در یک سرزمین همانند ایران شکل و قوام داده است و منابع آگاهی و شناخت ایشان از جهان هستی را فراهم می‌آورد اطلاعاتی را به دست بیاوریم.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱-۲-۱. پرسش‌های اصلی

- مخاطبان عام و مخاطبان اصلی افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه در ایران چه گروه‌هایی بوده‌اند؟
- ویژگی و نیازهای مخاطبان افسانه‌ها چه مواردی بوده است و چگونه در طی زمان تحول یافته‌اند؟
- افسانه‌های ایرانی به کدام نیازهای درونی و اجتماعی مخاطب ایرانی پاسخ می‌دهند و امروز با توجه به شرایط دنیای جدید توان پاسخ‌گویی به کدام نیازهای ایشان را دارند؟
- افسانه‌ها و قصه‌ها با چه ساز و کاری با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کردند؟

۱-۲-۲. پرسش‌های جنبی

- آیا مردمان روزگار کهن آگاهانه و اندیشمندانه به ایجاد تغییرات در این قصه‌ها و افسانه‌ها اقدام می‌کردند؟
- آیا می‌توان افسانه‌ها را پدیده‌ای تاریخ‌مند دانست و با در نظر گرفتن خاستگاه جغرافیایی و منطقه‌ای، آن‌ها را مورد مطالعه قرار داد؟
- چرا کودکان از میان مخاطبان قصه‌های عامیانه برجسته می‌شوند؟
- آیا رابطه‌ای میان شرایط سال‌های زندگی کودکان و سالیان تاریخی پیش از تحولات قرون جدید با عنوان دوران کودکی بشر وجود دارد؟
- آیا می‌توان قصه‌ها و افسانه‌ها را در زیرمجموعه ادبیات کودک در مفهوم امروزی آن قرار داد؟
- آیا قصه‌های عامیانه نکات مفید و اثربخشی برای انتقال به نسل‌های آینده دارد؟ چه نکاتی؟
- کدام بخش از میراث فرهنگی از طریق قصه‌ها منتقل می‌شوند؟
- رابطه افسانه‌ها با اساطیر و سایر منابع فرهنگ مردم و ادبیات شفاهی چگونه است؟

- مناسب‌سازی افسانه‌ها برای کودکان در ایران چگونه انجام می‌گرفته است؟
- تأثیر حوزه‌های فرهنگی همسایه در شکل‌گیری و تحولات افسانه‌های ایرانی چگونه بوده است؟
- نقش و اهمیت زنان را در تغییر و تحولات افسانه‌ها و مخاطبان آن‌ها به چه شکل می‌توان توضیح داد؟

۱-۳. روش انجام تحقیق

این پژوهش، تحقیقی عمدتاً کیفی است و روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بر این مبنا انجام می‌گیرد. قسمت بزرگ‌تر و اصلی کار با توجه به اینکه موضوع یک بررسی فرهنگی است، در واقع فعالیتی کتابخانه‌ای یا پشت میزی (desk work) را شامل می‌شود.

با قدری تعمق در عنوان و مسئله تحقیق به‌خوبی مشخص می‌شود که این پژوهش، تحقیقی بین‌رشته‌ای است و در آن، علاوه بر توجهی که به دانش فرهنگ مردم- که خود زیرمجموعه دانش‌های مردم‌شناسی و انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی است- وجود دارد، به‌طور ویژه به شاخه ادبیات شفاهی از این علم پرداخته شده است و اساس این کار تحقیقی نیز بر مطالعه این حوزه است. از حوزه‌های مطالعاتی دیگری که برای شکافتن درست و کامل موضوع از آن‌ها استفاده می‌شود، می‌توان به مبحث مخاطب‌شناسی از بخش‌های علوم ارتباطات اشاره کرد. هم‌چنین با توجه به اینکه یکی از فعالیت‌های اصلی، کار بر روی مخاطب ویژه این نوع ادبی یعنی کودکان است، از شیوه‌های مرتبط با شاخه‌ای از ادبیات که با عنوان ادبیات کودکان شناخته می‌شود، بهره‌برداری شده است.

فصل دوم

تعاریف و مفاهیم تحقیق

با توجه به اینکه حوزه مطالعاتی پژوهش حاضر دست کم سه گرایش بررسی قصه‌ها و افسانه‌ها را به‌عنوان قسمتی از زیرمجموعه‌های ادبیات شفاهی، مخاطب‌شناسی کودکان و نیز ادبیات کودکان در بر می‌گیرد و آن‌ها را در رابطه با یکدیگر مورد مطالعه قرار می‌دهد، در بخش نخست، برای دقت بیشتر در کار و سهولت در امر پژوهش و نیز برای توضیح و بیان نکات عمومی کاربردی در پایان‌نامه، این سه گرایش را در سه بخش مجزا مطالعه و معرفی می‌کنیم:

۲-۱. قصه‌های عامیانه ایرانی

۲-۱-۱. کلیاتی درباره فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی

فرهنگ امروزی بشر در سیر و تداوم تاریخی چند هزار ساله، دوران‌های گوناگونی را پشت سر گذاشته است و بی‌تردید یکی از آن دوران‌ها، دوران زندگی توده‌وار و فارغ از دغدغه‌های پیچیده جهانی بوده است که گریبان‌گیر بشر امروز گردیده است؛ دوران زندگی در طبیعت و باور به نیروهای فرا توان بشری که خانه در آسمان‌ها داشته‌اند و از حالات و صفات انسانی برخوردار بوده‌اند و دوره عدم دسترسی به دانش‌ها و حیرت در مقابل همه‌چیز موجود در جهان پیرامون. این مرحله از زندگی انسان‌ها در اصل مرحله ابتدایی حرکت بشر برای شناخت خویش و دنیای اطرافش بوده است. بسیاری از پژوهش‌گران با در نظر گرفتن توانایی‌های جسمی و روانی و امکانات محدود موجود در اختیار وی در جهان هستی بر این عقیده‌اند که انسان در طی

دوران طولانی حیات خود از لحاظ میزان انسانیت تحول معناداری پیدا نکرده است و به راحتی با انسان‌های حتی دوران‌های بسیار دور قابل مقایسه است.

هرگاه خرافات و اعتقادات و افکار ملل وحشی، نیمه‌متمدن و متمدن را با هم مقایسه بکنیم به این مطلب برمی‌خوریم که تقریباً همه آن‌ها از یک اصل و چشمه جاری شده‌اند و به صورت‌های گوناگون بروز کرده‌اند. دانشمند بزرگ، ادوارد تیلور که تحقیقات مفصلی در مقایسه آداب و رسوم و خرافات ملل متنوع کرده است می‌گوید: «وقتی که ما عادات و اعتقادات چادرنشینان وحشی را با ممالک متمدن بسنجیم، تعجب خواهیم کرد که چه قدر از قسمت‌های تمدن پست با تغییرات جزئی در تمدن عالی دیده و شناخته می‌شود و گاهی هم مشابهت تام دارند» (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۳). امروزه با رویکردهای انسان‌شناسی جدید و آگاهی که نسبت به سابقه و تاریخ تمدن بشری به وجود آمده است، از به کار بردن عنوان اقوام وحشی و واژگان و اصطلاحاتی این چنین پرهیز می‌شود.

اما چه موضوعاتی در حوزه بررسی‌های فرهنگ مردم قرار می‌گیرند؟ الگوهای فرهنگی که ویژگی‌های زیر را دارا باشند، جزو بررسی‌های فولکلوریک قرار دارند:

۱) در بین عموم افراد جامعه رواج دارند و مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند و عمل می‌کنند؛

۲) پذیرش و عمل کردن آن‌ها به صورت «عادت اجتماعی» بوده است و از نظر مردم بدیهی تلقی می‌شوند و نیازی به توجیه عقلی ندارند؛

۳) معمولاً در جامعه به صورت صریح و روشن قابل تفکیک از الگوهای جدید هستند و در کنار عناصر جدید قرار دارند و با آن‌ها آمیخته شده‌اند؛

۴) به طور جمعی و در نتیجه زندگی اجتماعی و گروهی خلق شده‌اند و پدیدآورنده آن جامعه هستند و در مواردی که سازنده مشخصی دارند، ناشناخته و از نظر مردم دانستن و شناختن ایشان بی‌اهمیت تلقی می‌شود؛

۵) نه به طور خاص، بلکه در مجموعه فعالیت‌های زندگی افراد جامعه نقش و وظیفه‌ای را بر عهده دارند. بنابراین می‌توان فرهنگ عامه را به عنوان موضوع فولکلور، مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی سنتی دانست که

چگونگی اندیشه، احساس و عمل فرد را تعیین و تنظیم می‌کنند. این الگوها گستره وسیعی دارند و تمامی جنبه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرند (فاضلی، ۱۳۸۱: ۸۲).

پدیده‌های فولکوریک از اجزا و زیرمجموعه‌های فراوانی تشکیل می‌شود که بی‌گمان بخش بسیار مهم آن سنت‌های ادبی و گفتاری- در ضعف یا نبود منابع قابل اعتنای مکتوب- شامل است که ریشه در اعتقادات و باورها، دانش‌ها، بینش‌ها (فلسفه‌ها)، ارزش‌ها و نیازهای جامعه‌ای دارند و در قالب واژگان و جملات عرضه می‌شوند. «ادبیات شفاهی، گویندگانی ناشناس دارد و برآیند اندیشه و تخیل جمعی است. این ادبیات در بستر زمان از دودمانی به دودمان دیگر و از سرزمینی به سرزمینی کوچ کرده است و در هر دودمانی، روایت‌های گوناگون که هسته یکسانی دارند، پدید آورده است. ادبیات شفاهی، ساخته همه مردم و همه دودمان‌ها است و دامنه‌ای بسیار گسترده دارد. موضوع ادبیات شفاهی، گستره وسیعی دارد و از اسطوره‌های گسسته، روایت‌های جادویی، حماسه‌های ملی که میراث نیاکان و نگاه‌دارنده مردمان در درازنای زمان بوده است آغاز می‌شود و تا روایت‌های غم‌بار و شادی‌آفرین زندگی روزمره و ترانه‌های کودکانه‌ای هم‌چون لالایی و مثل‌های آهنگین می‌رسد» (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴: ۱۱).

با توضیحاتی که داده شد، چنین می‌توان تلقی کرد که در واقع ادبیات عامیانه، ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و ملزومات و مسایل آن دارد کسب می‌کند و جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه و حالات دیگر در درجات پایین‌تری قرار می‌گیرند. برای درک مناسب اهمیت و ضرورت نگاه به جامعه در آثار ادبی فولکوریک، ناگزیر باید این صورت‌ها را مورد توجه قرار دهیم. در مطالعه جنبه‌های اجتماعی ادبیات عامیانه، یکی از مسایل موجود در تداوم حیات ساده و آرام این گونه گسترده در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک است، ولیکن در کتاب‌های تاریخ ادبیات نشانه‌ای برجسته و چندانی از آن‌ها نمی‌توان یافت؛ زیرا این ادبیات متعلق به توده مردم است که یا نویسندگی نمی‌دانستند و یا صاحبان قدرت و حکومت این امکان را از ایشان سلب کرده بودند. دوم اینکه، ادبیات عامیانه ادامه فعالیت و زندگی مردم است و جنبه تفننی و تجملی ندارد بلکه مکمل عمل و هم‌چون وسیله‌ای برای گذران زندگی محسوب می‌شود و از این حیث، در جایگاه خود نوعی ادبیات واقع‌گرا تلقی می‌شود.

«ادبیات عامیانه ساده و بی‌پیرایه است، زیرا از زندگی مردم سرچشمه می‌گیرد که در هنگام سخن گفتن جز بیان مطلب غرضی ندارند و نیز اگر زبان این ادبیات دشوار و پیچیده باشد، درست به زبان جاری نمی‌شود و به راحتی از یاد می‌رود و در نتیجه امکان انتقال آن از میان می‌رود. ادبیات عامیانه، طبیعت‌گرا و